

دل تورو علیه سیاستمداران دروغگوی آمریکایی



بنیسیو دل‌تورو، بازیگر لاتینی‌تبار سینما با صحبت‌های تازه‌اش، چنجالی در رسانه‌های آمریکایی برپا کرده است. او در تازه‌ترین مصاحبه خود درباره سیاست و سیاستمداران در آمریکا صحبت کرده و رسماً گفته که سیاست در این کشور تبدیل به «چیزی کثیف» شده و انتخابات در آن هیچ شباهتی به یک انتخابات درست و سالم ندارد. اظهارات دل‌تورو، در روزهایی که جامعه آمریکا هنوز درگیر برگزاری یک انتخابات چنجالی ریاست‌جمهوری است، واکنش زیادی در میان اهالی دو دنیای سیاست و سینما برانگیخته است. صحبت‌های دل‌تورو تا حد زیادی در رابطه با سیاست‌های سیاستمداران آمریکایی به‌ویژه دونالد ترامپ در مورد موضوعات مهم و حساسی مثل اقلیت‌های قومی و نژادی در آمریکا و نوع بهره‌برداری نامزد‌های پست ریاست‌جمهوری از این معضل مهم اجتماعی است.

بازیگر اسکار گرفته سینما که در تعدادی از آثار اجتماعی و غیرمتعارف سینمایی بازی داشته، در این رابطه چنین می‌گوید: «شما نمی‌توانید مردم را گروه‌بندی کرده و بگویید که این گروه خوب است و آن دیگری بد. بسیاری از کسانی که به امید آینده بهتر تلاش دارند خودشان را به آمریکا برسانند، در کشور خودشان در آمریکای مرکزی و لاتین با مشکلات عده‌ای‌ای روی‌رو هستند. آنها به‌واسطه تبلیغاتی که شنیده‌اند فکر می‌کنند آمریکا مکان بهتر و راحت‌تری برای زندگی است و با حضور در این کشور، مشکلات‌شان حل می‌شود اما پس از ورود به خاک آمریکا تازه متوجه این واقعیت می‌شوند که قرار نیست مشکلات آنها حل شود و حالا با مشکلات تازه‌تری باید دست‌وپنجه نرم کنند.»

دل‌تورو در ادامه می‌گوید: «برای همین است که من می‌گویم سیاست‌چیزکثیفی است. در حال حاضر مادر آمریکاباوضعیت و موقعیت بسیار بغرنژی روی‌رو هستیم. بسیاری از اهالی لاتین که خودشان را به اینجا رسانده‌اند، درگیر مشکلات انبوهی هستند و هیچ امیدی به آینده‌شان ندارند. آنها هر روز توسط مأموران دولتی چک می‌شوند انگار که جرمی مرتکب شده‌اند. هربار که انتخاباتی در راه است، ناگهان لاتینی‌تبارها برای سیاستمداران اهمیت پیدا می‌کنند و شعارهای زیبایی در باب دفاع از آنها و خواسته‌هایشان سر داده می‌شود. اما بلافاصله از فردای انتخابات تمام این شعارها به دست فراموشی سپرده شده و اقلیت‌های قومی دوباره در مظان اتهامات بی‌پایه و اساس قرار گرفته و تهدید به اخراج می‌شوند.» به باور دل‌تورو، مهاجران و اقلیت‌های قومی و مذهبی همواره دستمایه تبلیغات سیاستمداران قدرتمند هستند و وقت آن رسیده که جامعه مهاجر در این رابطه دست به یک اقدام اساسی زده و با این‌گونه شعارهای تبلیغاتی مقابله کند. بعد از مصاحبه چنجالی دل‌تورو با رسانه‌ها، تعداد زیادی از هنرمندان سیاهپوست و لاتینی‌تبار آمریکا در شبکه‌های اجتماعی به بازنشر صحبت‌های این بازیگر پرداخته و حرف‌ها و درد دل‌هایش را تایید کرده‌اند. برخی منتقدان سینمایی هم این‌گونه ابرازنظر کرده‌اند که این صحبت‌ها احتمالاً به بایکوت بازیگر توسط تعدادی از تهیه‌کنندگان و فیلمسازان سینمای تجاری منجر خواهد شد.

محمد حمیدی مقدم در نشست خبری هجدهمین جشنواره سینماحقیقت اظهار داشت: جشنواره سینماحقیقت در حال عبور از جوانویی و ورود به دوره جوانی است. این جشنواره در حال به‌بلوغ‌رسیدن است و امیدوارم رشد خوبی کرده باشد. وی همچنین درباره پرداختن به مسائل غره در جشنواره امسال گفت: بخش‌واکنش سریع سینماحقیقت‌واکنشی به‌مسائل غره است. این بخش فقط زینتی نیست و بخشی مهم در جشنواره

حرکت سینما حقیقت بر مدار خانواده

امسال است. صندوق حمایت از غره از سال گذشته راه‌اندازی کردیم و در جشنواره فیلم کن نیز توانستیم تعامل خوبی با جهان داشته باشیم و در بخش غره ۱۲ فیلم را به نمایش درمی‌آوریم. حمیدی‌مقدم ادامه داد: در بخش خارج از مسابقه، ۱۰ فیلم اکران خواهد شد و در بخش بین‌الملل نیز ۲۳۱۴ فیلم متقاضی بودند که ۵۹ فیلم انتخاب شدند. دبیر جشنواره با بیان این‌که تمرکز جشنواره امسال بر موضوع خانواده است، ادامه داد:

مظفرالدین‌شاه، به‌هرحال سینما باید اسباب حیرت باشد ولی از منطق خودش هم فاصله نگیرد و دور نشود! مانتیاس دل‌مونت‌ه که اینک به امیلیا پرز تبدیل شده، همان‌گونه که یک‌هویی هوس زن شدن کرده بود، باز هم یک‌هویی انسان خیرخواهی شده و به کمک خانواده‌ها و زن‌هایی می‌رود که در جریان قاچاق مواد مخدر در مکزیک، همسران شان مفقود شده‌اند!

با وارونه‌نمایی از مهاجرین مسلمان در فرانسه و نمایش‌شان درون باند‌های مخوف گنگستری، تصویری هراس‌انگیز از آنها ارائه کرده بود، در فیلم امیلیا پرز، تصویری سمپاتیک نسبت به گنگستریسم و در اینجا رئیس یکی از بزرگترین کارتل‌های مواد مخدر در مکزیک عرضه داشته!

مانتیاس دل‌مونت‌ه (کارلا سوفیا کاسکن) همان رئیس بی‌رحم و خوفناک کارتل بزرگ مواد مخدر که یک زن به‌نام جسی (سلنا گومزا) و دو تا بچه دارد، یک‌هویی هوس می‌کند تغییر جنسیت دهد! نه به‌خاطر پنهان‌داشتن هویت و فرار از دست قانون، بلکه چون دوست دارد! و گویا از سال‌ها قبل حتی از بچگی به‌آن فکر می‌کرده‌است!

حالا یک وکیل موفق ولی ناراضی از موقعیتش (چون برای همه گناهکاران و مقصرین، تبریئه می‌گیرد ولی پول کمی دریافت می‌کند) به نام ریتا، مورو کاسترو (زویی سالدانا) را گروگان گرفته و با پیشنهاد یک پول هنگفت، از او می‌خواهد بدون خیردار شدن کسی، وسائل و امکانات تغییر جنسیتش را (که با مصرف هورمون‌های خاص، کمی از راهش راهم گویا خودش رفته!) فراهم آورده و به‌دلیل تغییر کلی زندگیش، او را کشته شده اعلام نموده و شرایط اسکان جدیدی را برای زن و بچه‌هایش در کشوری دیگر مانند سوئیس جور کرده (آنچه در فیلم «دومی‌ها» ساخته جان فرانکن‌هایمر، با مهارت و هوشمندی بسیار به تصویر کشیده شده بود).

همه چیز یک‌هویی می‌شود!

کمی شاید این داستان از عقل و منطق به‌دور باشد، اما به‌قول

برش



فیلمسازی با تم فصل جوایز

به نظر می‌رسد ژاک اودیبار تمامی عناصر مورد علاقه سینمای لابی‌های پنهان هنری و شبه‌هنری را رعایت کرده یا به‌قول ما، همه گستره افق سینمای امروز غرب را در نظر داشته: از قهرمان بودن و قصه‌ای پیرامون یک ترنس (از اقلیت‌های جنسی و جنسیتی) که بر اثر تغییر جنسیت از منت‌هاله سیاهی و بذکاری به منت‌هاله سییدی و به‌اصطلاح رستگاری می‌رسد (و ترنسی مانند کارلا سوفیا کاسکن از آنتینی نقشش را ایفا نماید) تا همجنس‌گرا بودن او که اعتراف می‌کند اولین رابطه واقعاً عاشقانه‌اش است تا نیکوکاری حقوق بشری و شعارهایی که در این راستا می‌دهد، تا نمایش فاجعه‌بار خانواده‌های عادی که مردان‌شان را در سروکله‌زدن با باندهای مواد مخدر از

دست داده‌اند. مردانی که به‌قول ایبی فانیا، او را همواره کتک می‌زدند و شکنجه می‌کردند و....

و بالاخره این‌که پس از بالا و پایین شدن‌های بسیار برای یافتن یک پزشک حاذق و بی‌دردسر برای تغییر جنسیت، سرانجام یک دکتر اسرائیلی از تل‌آویو با شجاعت و شهامت! به مکزیک و میان گنگسترهای باند مانتیاس رفته، با او حرف می‌زند، درد دل‌هایش را می‌شنود، یادداشت کرده و تحلیل می‌نماید و به‌بهترین وجهی کارش را انجام داده، بدون آن‌که هیچکس حتی خود ریتا هم متوجه شود!! به‌نظر می‌رسد فیلم «امیلیا پرز» با این خصوصیات و علیرغم همه اشکالات ساختاری و سینمایی، در فصل جوایز امسال و به‌خصوص مراسم گلدن گلوب و اسکار موفقیت‌های مهمی کسب نماید. حالا بستیگی به این دارد که با تم امسال فصل جوایز تا چه حد مماس گردد!

«ببعی قهرمان» مهمان کودکان لبنانی

انیمیشن سینمایی «ببعی قهرمان» به کارگردانی حسین مسافرازدگان و میثم حسینی، با تهیه‌کنندگی محمد مهدی مشکوری، با اکران در شهر بیروت به کودکان جنگ‌زده لبنانی تقدیم شد. این انیمیشن تاکنون بیش از یک میلیون مخاطب را جذب کرده و فروش آن به بیش از ۵۰ میلیارد تومان رسیده است. انیمیشن ببعی قهرمان با استفاده از تکنیک سه‌بعدی ساخته شده و به مفهوم «خواستن، توانستن است» می‌پردازد. لازم به ذکر است نسخه سریالی این انیمیشن، پیشتر با استقبال خوبی از سوی کودکان مواجه شده بود.



رکورد شکنی «قلب رقه» در اکران سیار

اکران سیار فیلم سینمایی «قلب رقه» رکورد فروش و تعداد نوبت نمایش را شکست. فرآیند اکران سیار فیلم سینمایی قلب رقه، هم‌زمان با اکران سراسری این فیلم از ۲۴ مرداد شروع شد و بعد از گذشت چهار ماه، توانست عنوان پرفروش‌ترین فیلم اکران سیار را به نام خود

ثبت کند. در مجموع، فیلم سینمایی قلب رقه با میانگین قیمت بلیت ۱۸ هزار تومان در اکران سیار، به فروش بیش از سه میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان رسید و رکورد فروش این شیوه از پخش را شکست.

قلب رقه، روایت داستانی در قلب شهر رقه است؛ جایی که حالا محل رفت و آمد نیروهای داعش شده و یک مأمور ایرانی به نام رضا در دل داعش نفوذ کرده است.

فیلم سینمایی قلب رقه، یک اکشن جاسوسی است که در بچیوچه ظهور داعش و جنگ‌های داخلی سوریه می‌گذرد و داستان عاشقانه رضا و ریمارا روایت می‌کند، این فیلم تاکنون در مکان‌های متنوعی از جمله مساجد، سازمان‌ها، کانون‌های فرهنگی، دانشگاه‌ها، مدارس و یادگان‌ها به نمایش درآمده است.

سینما حقیقت هجدهم با تمرکز بر موضوع خانواده، به مسائلی چون شکاف و انقطاع نسلی و ارکان معیشت و اقتصاد می‌پردازد و در حوزه خانواده، ویژگی‌ها و نقش پدر و همچنین معضلات اجتماعی را در بستری به‌نمایش می‌گذارد که آسیب‌شناسی درستی از حوزه زیستی خانواده‌ها به‌دست دهد. هجدهمین جشنواره سینماحقیقت ۱۸ تا ۲۵ آذرماه به دبیری محمد حمیدی مقدم در پردیس سینمایی جاسور برگزار می‌شود.

تحول دیمی در سینمای حرفه‌ای

ژاک اودیبار در فیلم «امیلیا پرز» زندگی یک رئیس کارتل مواد مخدر را نشان می‌دهد که بدون منطق داستانی متحول می‌شود

و به‌شکل عجیبی هم از سوی جشنواره‌های روشنفکری جایزه می‌گیرد

پدرش و درکنار امیلیا، در حد و سطح یک سکانس فیلم موزیکال بوده و اضافی و الصافی به‌نظر نرسد! این اشکالات عمده ساختاری در فیلمی از سینماگری حرفه‌ای مانند ژاک اودیبار به‌نظر خیلی بعید می‌آید؛ اگر موزیکال شدن فیلم «جوکر ۲» به ضرب و زور صورت گرفت، به‌دلیل حضور لیدی‌گاگا و فروش بیشتر فیلم بود ولی در فیلم امیلیا پرز اگرچه سلنا گومز حضور دارد اما نقش کم‌رنگی در بخش‌های موزیکال فیلم داشته و چنانچه بعضاً منتقدان نوتشند، طرفداران او از حضور بی‌رق سلنا گومز در ساختار موسیقایی فیلم به‌شدت ناامید شدند!

نشانه‌های یک فیلم سفارشی

به‌نظر می‌رسد در اینجا هم ژاک اودیبار، قربانی سفارش‌پذیری مستقیم از امثال کمپانی‌های حاکم بر جشنواره کن شده و از همین روی، به فیلمی با این تعداد گاف‌های آماتوری، جایزه هیأت‌داوران را دادند! (چون واقعا قابلیت دریافت نخل طلا یا جایزه بزرگ را نداشت؛ حالا ببینید فیلم رسول‌اف چه فاجعه‌ای بود که حتی این جایزه را هم نتوانست بگیرد!)

شاید ژاک اودیبار با این غلط‌های آشکار ساختاری و سینمایی، قصد داشته به مخاطبش بفهماند که برخلاف میشل تن به‌چنین سفارشی داده است.

زمان‌های متعددی؛ انگار جناب کارگردان فراموش کرده که دمی هم به خمره سینمای موزیکال زده‌ا و می‌بایست مانند آثار استادانر سینمای موزیکال، آن‌را در کلیت اثرش حفظ نماید!

چنان‌چه در ابتدای فیلم، چپ‌وراست شاهد صحنه‌های موزیکال هستیم (از همان اولین صحنه دفاع ریتا در دادگاه از موکلش تا ابراز ناراضیاتی از شغلش تا اولین دیدار با مانتیاس و تا نخستین تلاش برای پیدا کردن متخصص تغییر جنسیت در کشورهای مختلف) اما وقتی به صحنه‌ها و سکانس‌های کلیدی (مثل تغییر جنسیت واعلام مرگ مانتیاس، جابه‌جایی‌های جسی و بچه‌ها، تمام صحنه‌های مفصل و طولانی جستجوی مفقودان و ارتباط با همسران و برپایی خبریه، برقراری رابطه با ایفانیا، جدال با جسی و دوست‌پسرش و... و حتی گروگان‌گیری امیلیا و درگیری‌های پیوست آن می‌رسیم، دیگر خبری از موزیک و موزیکال نیست!

ناامیدی از سلنا گومز

شاید از میان صحنه‌های موزیکال تنها سکانس خواندن دختر-بچه مانتیاس به‌یاد

رویداد

گیشه در دست بچه‌ها

تعداد تماشاگران سینما در حالی به ۲۴ میلیون نفر رسیده که از ابتدای آذر بیش از یک میلیون نفر به تماشای فیلم‌های روی پرده نشستند. از هفتم آذر فیلم «۷۰ سی» اولین ساخته بهرام افشاری پرفروش‌تر از دیگر فیلم‌های در حال اکران بود و در سه روز نخست اکران با ۳۲۲ هزار نفر تماشاگر نزدیک به ۲۳ میلیارد تومان بلیت فروخت. این در حالی است که «زودپز» رامبد جوان در هفت روز گذشته ۱۲ میلیارد تومان فروش داشت و به مجموع فروش ۱۸۶ میلیارد تومان رسید. «صحنه‌ها بازآه‌ها» به کارگردانی شروش صحت نیز در یک هفته گذشته میزبان حدود ۱۸۰ هزار نفر تماشاگر بود که بیش از ۱۰ میلیارد تومان هم بلیت فروخت و فروش کلی آن بیش از ۷۸ میلیارد تومان شده است. سه فیلم کودک و نوجوان «ببعی قهرمان»، «باغ کیانوش» و «شنگول و منگول» نیز پس از فیلم‌های کمدی، پرفروش‌ترین فیلم‌ها در یک هفته قبل بودند. ببعی قهرمان تاکنون به فروش کلی ۵۱ میلیارد تومان رسیده، باغ کیانوش ۹ میلیارد تومان و شنگول و منگول هم حدود چهار میلیارد تومان بلیت فروخته است. در حال حاضر فیلم‌های ۷۰ سی، زودپز، صحنه‌ها بازآه‌ها، ببعی قهرمان، باغ کیانوش، شنگول و منگول، شهرگره‌به ۲، کیف و نبودنت، روی پرده سینماها هستند.

